

مقاله پژوهشی

مقایسه تجربه فرسودگی والدینی و نگرش به نقش‌های جنسیتی در مادران شاغل و غیرشاغل ساکن شهر تهران

سیده فاطمه موسوی^۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مطالعه نگرش به نقش‌های جنسیتی و فرسودگی مادران شاغل و غیرشاغل از وظایف و مسئولیت‌های فرزندپروری انجام شد. روش پژوهش توصیفی و طرح پژوهش از نوع پس‌رویدادی است. نمونه پژوهش ۱۹۵ مادر (۷۶ شاغل و ۱۱۹ غیرشاغل) بودند که به شیوه در دسترس و داوطلبانه از پنج نقطه شمال، جنوب، غرب، شرق و مرکز شهر تهران در پژوهش شرکت کردند. در این تحقیق از مقیاس سنجش فرسودگی والدینی (شامل: خستگی از نقش والدینی، تقابل با خود والدینی گذشته، احساس بی‌زاری از نقش والدینی و فاصله عاطفی گرفتن از نقش والدینی) و از مقیاس نگرش به نقش‌های جنسیتی (شامل: نقش سنتی، نقش ویژه جنس و نقش‌های دوگانه جنسیتی) استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون t گروه‌های مستقل نشان داد هر دو گروه مادران شاغل و غیرشاغل در نگرش به نقش ویژه هر جنس و ویژگی‌های دوگانه جنسیتی با یکدیگر تفاوت معناداری داشتند ($p=0/02$)، اما در فرسودگی والدینی و ابعاد آن با یکدیگر تفاوت آماری معناداری نشان ندادند. بر طبق نتایج تحقیق زنان شاغل نگرش‌های برابری خواهانه‌ای در ایفای نقش‌های جنسیتی زنانه-مردانه دارند و فشار نقش بیشتری را نسبت به مادران غیرشاغل تجربه می‌کنند. آنان نسبت به مادران غیرشاغل که به نگرش‌های ویژه جنس اعتقاد بیشتری داشتند، فرسودگی والدینی پایین‌تری را گزارش کردند. توجه به اضافه‌بار نقش در مادران شاغل و نحوه گذران فراغت مادران غیرشاغل با فرزندان با توجه به نگرش‌های جنسیتی آن‌ها در خور مطالعه است.

^۱دانشیار گروه روان‌شناسی پژوهشکده زنان دانشگاه الزهراء (س) f.mousavi@alzahra.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۸

واژگان کلیدی

فرسودگی والدینی، نقش‌های جنسیتی، مادران شاغل

مقدمه و بیان مسئله

نگرش به نقش‌های جنسیتی به عنوان یک مفهوم چندبعدی (لارسن و لانگ^۱، ۱۹۸۸) به معنای باورهای مرتبط با نقش‌های مناسب برای زنان و مردان (لی، توفیس و الوین^۲، ۲۰۱۰)، از یک سو به توازن قدرت میان زن و مرد و از سوی دیگر به حوزه‌ای اشاره می‌کند که در آن نقش‌ها ظاهر می‌شوند (کنستانتین و ویسو^۳، ۲۰۱۵). در حالی که اصطلاح «جنس» به خصوصیات بیولوژیکی فرد (مثلاً ویژگی‌های دستگاه تناسلی و هورمونی) گفته می‌شود، «جنسیت» بیانگر انتظارات اجتماعی-فرهنگی در مورد معنی مرد یا زن بودن و همچنین تجربه مرد بودن یا زن بودن است که از طریق تجربیات در یک بستر اجتماعی ساخته و تصویب می‌شود (هالپرن و پری-جنکینز^۴، ۲۰۱۶). نقش جنسیتی، حس زن بودن یا مرد بودن است، یعنی احساس اینکه علائق، شخصیت و رفتار فرد با تعاریف او از زنانگی و مردانگی همخوان است. بنا به تعریف سازمان جهانی بهداشت نقش جنسیتی به مسئولیت‌پذیری‌ای اطلاق می‌شود که از لحاظ اجتماعی به واسطه جنسیت افراد برایشان تعیین گردیده است (علی‌اکبری‌دهکردی، محتشمی، حسن‌زاده و شهریاری، ۱۳۹۳). تفاوت نقش‌های جنسیتی یکی از مهم‌ترین زمینه‌های تجربه زیسته در بین مردان و زنان در سراسر جوامع و فرهنگ‌هاست و تقسیم نقش‌های جنسیتی از دوران کودکی و در مرحله جامعه‌پذیری آغاز و در همه عرصه‌های زندگی نمود پیدا می‌کند. در یک تعریف کلی نقش‌های جنسیتی به انتظار رفتاری از دو جنس در موقعیت‌های گوناگون و بر اساس هنجارهای جامعه گفته می‌شود (لیندسی^۵، ۲۰۱۱؛ به نقل از فلاحتی، ۱۳۹۵). تعریف و توزیع نقش‌های جنسیتی در خانه و اجتماع، بسته به فرهنگ حاکم و عوامل فردی چون افزایش تحصیلات زنان،

^۱.Larsen, K. S. & Long, E.

^۲.Lee, K. S., Tufiş, P. A., & Alwin, D. F.

^۳.Constantin & Voicu

^۴.Halpern, H. P., & Perry-Jenkins, M.

^۵.Lindsey

ورود آن‌ها به بازار کار و کسب درآمد در زنان متفاوت است، زنان تحصیل کرده به‌ویژه زنان شاغل، پس از ازدواج، نگرش برابری‌جویانه‌تری به توزیع منصفانه نقش‌های خانه‌داری و فرزندپروری دارند، چراکه اضافه‌بار ناشی از نقش‌ها و مسئولیت‌های اجتماعی و خانوادگی آن‌ها را در معامله سود-هزینه برای کاهش فشار اضافه‌بار نقش و تلاش برای توزیع عادلانه مسئولیت‌های محوله زوجی و فردی قرار می‌دهد. مطالعات نشان داده‌اند که تحصیلات و به تبع آن دستیابی به حرفه درآمدزا، نقش عمده‌ای در تغییر مناسبات و معادلات موجود در خانواده برای مادران در پی داشته است، این دسته از زنان، نگرش‌های سنتی به نقش‌های جنسیتی خود در خانواده و توزیع قدرت ناشی از آن را نمی‌پذیرند و نسبت به توزیع نقش‌ها در انجام وظایف خانه و فرزندپروری نگرش‌های برابری‌جویانه‌ای دارند (موحد، عنایت و گرگی، ۱۳۸۴)، یافته‌های برخی دیگر از مطالعات نشان دادند این تغییر نگرش ناشی از حضور در اجتماع، در زنان غالباً در نظر و دیدگاه متأثر از فضای غالب اجتماع دیده می‌شود، اما در عمل زنان علاوه بر نقش‌های محوله اجتماعی همچنان نقش‌ها و وظایف اصلی خانه و فرزندپروری را برعهده دارند (راووداد و نایی، ۱۳۸۶). نتایج برخی مطالعات نشان دادند زنان شاغل با پذیرش نقش‌های مادری، احساس عاملیت و تعهد کمتری به شغل و تعهد بیشتری به زندگی خانوادگی و وظایف فرزندپروری از خود نشان می‌دهد (فوگن، بیرنات، هینس و دوکس^۱، ۲۰۱۹). علی‌رغم فشار ناشی از اضافه‌بار نقش اجتماعی و خانوادگی، مادران شاغل با تحمل بار احساس گناه متأثر از صرف زمان کمتر از انتظار خود برای رسیدگی به فرزندان، برآیندهای منفی زیادی را در تعاملات با فرزندان شاهدند (بورلی، نلسون، ریور، بیرکن و موس-راکوزین^۲، ۲۰۱۷). یافته‌های دیگری حاکی است که شاغلان متأهل یا مادران دارای فرزند، فرسودگی کمتری را تجربه می‌کنند (مزلیچ و جکسون^۳، ۱۹۸۵) و یا برآورد مثبت‌تری از برآیندهای زناشویی خود دارند (فرجی‌پاک، خجسته‌مهر و امیدیان، ۱۳۹۹). لذا، این موضوع مطرح می‌شود که مادران شاغل که به نفع دستیابی

^۱.Fuegen, K., Biernat, M., Haines, E., & Deaux, K.

^۲.Borelli, J. L., Nelson, S. K., River, L. M., Birken, S. A., & Moss-Racusin, C.

^۳.Maslach, C., & Jackson, S. E.

به استقلال مالی و مشارکت در اجتماع، خود را متعهد به پذیرش نقش‌های شغلی می‌کنند، چه پیامدهایی را در انجام نقش والدینی و پذیرش مسئولیت‌های فرزندپروری متحمل می‌شوند.

پیشینه نظری و تجربی پژوهش

مایرز، ریلی و رایبسون^۱ (۲۰۰۲) نقش‌های جنسیتی را مجموعه‌ای از هنجارهای رفتاری مورد انتظار از دو جنس دانسته‌اند. از نظر آن‌ها، نقش جنسیتی درگذار از مسیر تعلیم و تربیت و اقتصاد یاد گرفته می‌شوند. در رویکرد جامعه‌پذیری جنسیتی، مرد یا زن بودن، به مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و رفتارهایی گفته می‌شود که در یک اجتماع برای دو جنس شایسته و مناسب تشخیص داده می‌شود، فرآیندی که از خانواده آغاز و توسط دیگر نهادهایی چون نظام آموزش، گروه همسالان و رسانه‌ها بسط داده می‌شود (دشتی خویدیکی و حسینی، ۱۳۹۴). در حوزه‌هایی که دو جنس در آن ایفای نقش می‌کنند، سه دسته تعریف را می‌توان مورد توجه قرار داد، یک دسته به تقسیم کار خانگی بین زن و مرد و نگرش معطوف به مدل سنتی خانواده (مرد نان‌آور-زن خانه‌دار) اشاره دارد (لو^۲، ۱۹۹۳؛ کروسکا و المان^۳، ۲۰۰۹)، تعریفی که نقش فروتر یا تکمیلی را برای زنان و مردان تعریف می‌کند (ژلن^۴، ۱۹۸۸)؛ دسته دوم به نگرش نقش جنسیتی مرتبط با دو حوزه خصوصی و عمومی چون آموزش، اشتغال و سیاست اشاره می‌کند (جاکوبسن و کتسدام^۵، ۲۰۱۱)، این دو حوزه به درگیری زنان در فعالیت‌ها و نقش‌های خارج از خانه در مقابل فعالیت‌های درون منزل اطلاق می‌شود (ژلن، ۱۹۸۸) و دسته آخر نه به زمینه و بافت خاص، بلکه به‌طور گسترده به روابط جنسیتی در جامعه اشاره دارد که به عنوان باورهای هنجاری در مورد روابط جنسیتی در جامعه‌ای که باید با آن مشابه باشد تعریف می‌شود (برگ^۶، ۲۰۰۶)، این

^۱.Myers, C. D., Riley III, J. L., & Robinson, M. E.

^۲.Lu, Y. H.

^۳.Kroska, A., & Elman, C.

^۴.Jelen, T. G.

^۵.Jakobsson, N., & Kotsadam, A.

^۶.Bergh, J.

روابط مبتنی بر انصاف توصیف می‌شوند (فاوآفینگر^۱، ۲۰۱۷). از آنجایی که روابط دو جنس برای ایفای نقش در زمان و فرهنگ وابسته به فرایندهای اجتماعی و نظام پدرسالاری است (دانکن^۲، ۱۹۹۴)، چهار نوع نگرش به نقش‌های جنسیتی شامل نگرش سنتی (تفاوت دو جنس و نقش فروتر زنان نسبت به مردان)؛ نگرش ویژه هر جنس (برابری زنان و مردان با تکالیف ویژه برای هر جنس)؛ نگرش دوگانه (نقض فروتر یا ویژه بودن تکالیف برای یک جنس) و نگرش متعصب پدرسالارانه (پذیرش نقش فروتر برای زنان و تکالیف ویژه هر جنس) تعریف می‌شود (ژلن، ۱۹۸۸). در دیدگاه آندره میشل (به نقل از نیازی، گنجی و شفائی مقدم، ۱۳۹۳) کلیشه‌های جنسیتی و نقش‌های مختلف زنان در خانواده و اجتماع در چهار دسته کلی: ۱) مادر در نقش انجام وظایف درون‌خانواده و وابسته به همسر و پدر نقش نان‌آور و تکیه‌گاه؛ ۲) خصوصیات شخصیتی آفرینندگی، تصمیم‌گیری و فعال برای مردان و وابسته، نظاره‌گر و منفعل بودن برای زنان؛ ۳) نقش‌های اجتماعی و سیاسی زنان در سطوح خرد و نقش رهبری سیاسی در سطح کلان برای مردان؛ ۴) دودستگی نقش‌های حرفه‌ای به زنانه و مردانه قابل بحث است. در رویکرد جامع‌تر، کنستانتین (۲۰۱۵) نگرش نسبت به نقش‌های جنسیتی را باورهای افراد در مورد درک نقش مردان و زنان در زمینه اجتماعی و فرهنگی (اعم از خصوصی-عمومی) توصیف کردند. از این رو، سه بعد فروتر (نقش فروتر زنان در برابر برتری نقش مردان)، تکمیل (نقش زنان به عنوان مکمل نقش مردان) و خصوصی-عمومی (وظایف مربوط به درون خانه در برابر مسئولیت‌های اجتماعی) در توجه به نگرش‌های فرهنگی زنان و مردان به نقش‌ها و تکالیف محوله مشاهده می‌شود. چنین دسته‌بندی‌هایی از نگرش‌های جنسیتی با عنایت به تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی قابل درک است. قوانین اقتصادی، سیاسی و ساختارهای نهادی و ایدئولوژیک طریقه ادراک مردم از فعالیت‌های اجتماعی و شکل‌گیری نگرش‌های آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ بنابراین زمینه‌های اجتماعی متفاوت نه فقط درجات متفاوتی از برابری جنسیتی در کشورهای مختلف، بلکه ادراک و تعاریف متفاوت از نقش‌های جنسیتی افراد را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

^۱.Pfau-Effinger, B.

^۲.Duncan, S.

(کنستانتین و ویسو، ۲۰۱۵). از جمله تحولات بارزی که موجب چنین دگرگونی‌های نقش در حوزه‌های عمومی و خصوصی گردیده است، ظهور رویکردهای فمینیستی با هدف رفع تبعیض‌ها و ایجاد برابری‌های جنسیتی است. رویکردهای فمینیستی با تأکید بر توانمندسازی و ایجاد فرصت کنترل بر منابع و رشد توانایی‌های فردی در زنان، طی دهه‌های اخیر، موجب دگرگونی در نگرش به نقش‌های جنسیتی تعریف‌شده در بطن اجتماع برای زنان و مردان شده است که با هدف ایجاد عدالت در نقش‌های محوله و تعریف‌شده در اجتماع موجب تغییراتی در ساختارهای توزیع قدرت در جامعه و به تبع آن در خانواده گردیده و نگرش زنان را به ایفای نقش‌ها و انجام مسئولیت‌های فردی و اجتماعی متحول کرده است، در تعیین عوامل موثر بر نگرش به نقش‌های جنسیتی در سطوح فردی، مطالعات نشان دادند که زنان، افراد تحصیل‌کرده (کانینگهام، بیوتل، باربر و تورنتون^۱، ۲۰۰۵)، افراد با نگرش مذهبی پایین‌تر (شرکت^۲، ۲۰۰۰)، افراد مجرد یا بدون فرزند (بانازاک و پلوتزر^۳، ۱۹۹۳)، افراد شاغل با درآمد بالا (بانازاک و لیهلی^۴، ۱۹۹۱) و شهروندان ساکن کشورهای توسعه‌یافته (ویلنسکی^۵، ۲۰۰۲) و کشورهای پیشرفته (انگلهارت و ونزل^۶، ۲۰۰۷) و جوامعی با سیاست‌های اجتماعی، حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی (کنستانتین، ۲۰۱۵) نگرش جنسیتی برابری‌خواهانه‌ای نسبت به گروه‌های مقابل خود دارند. کین^۷ (۱۹۹۸) نشان داد در یک سوی طیف مردان مجرد شاغل با نگرش‌های برابری‌جویانه بیشتر و در انتهای طیف زنان متأهل خانه‌دار و بدون استقلال مالی با نگرش‌های سنتی‌تر در توزیع نقش‌ها قرار دارند. پژوهش گیسلر و کرینفیلد^۸ (۲۰۱۱) نشان داد ورود اولین فرزند به دایره روابط همسران، بازتعریف تقسیم کار و توزیع نقش‌های پیشین را به نسخه سنتی‌تر نقش‌های جنسیتی سوق

^۱.Cunningham, M., Beutel, A. M., Barber, J. S., & Thornton, A

^۲.Sherkat, D.

^۳. Banaszak, L. A., & Plutzer, E.

^۴. Leighley, J. E.

^۵.Wilensky, H. L.

^۶.Inglehart, R., & Welzel, C.

^۷.Kane, E. W.

^۸.Geisler, E., & Kreyenfeld, M.

می‌دهد. ورود اولین فرزند به عرصه زندگی زوجین و مسئولیت‌های ناشی از فرزندپروری، زوجین را وادار به عقب‌نشینی از تلاش انفرادی برای خواسته‌های فردی و در موضع تعامل برای تقسیم عادلانه مسئولیت‌های مراقبت از فرزند قرار می‌دهد. با این حال، در بسیاری از فرهنگ‌ها حتی جوامع توسعه‌یافته، مادران به عنوان مراقبان اولیه و دائمی فرزند شناخته می‌شوند. در فرهنگ ایرانی نیز، زنان به دلیل نقش‌های سنتی جنسیتی (چون همسری و مادری) همواره خود را مراقبان اصلی، مسئول تربیت، رسیدگی به مسائل و حل مشکلات فرزندان می‌دانند (رهکارفرشی^۱ و همکاران، ۲۰۱۸؛ تشکری و مهریار^۲، ۱۹۸۲). مسئولیت‌هایی که علی‌رغم تحولات و دگرگونی‌های اجتماعی و گرایش زنان به نقش‌های دوگانه جنسیتی و انتظار از مردان برای مشارکت در وظایف و مسئولیت‌های درون‌خانوادگی همچنان جزء وظایف اصلی مادران تلقی می‌شود (فلاحتی، ۱۳۹۵؛ دشتی‌خویدکی و حسینی، ۱۳۹۴)، تحولات مهم اجتماعی اخیر و افزایش فشار بر والدین برای پرورش فرزندان سالم، ایمن و موفق با هدف تبدیل آن‌ها به شهروندان متمول و متعهد، همراه با کاهش شدید حضور مادران در خانه موجب شده تا والدین هم به‌طور فزاینده‌ای کمال‌گرا و سخت‌گیر شوند، این در حالی است که افزایش تقاضاها و نیازهای فرزندان (ان) همراه دیگر عوامل زمینه‌ای موجب بروز واکنش‌های هیجانی و رفتاری در والدین شده و در صورت استمرار و فقدان عوامل حمایت‌کننده و نگهدارنده، به استرس کنترل‌نشده و خستگی از وظایف و مسئولیت‌های فرزندپروری در والدین منجر می‌شود و به تدریج به پدیده فرسودگی والدینی^۳ در والدین می‌انجامد.

«فرسودگی والدینی»، حالتی از خستگی روانی، ذهنی و هیجانی در والدین است که موجب تغییر نگرش مثبت والدین به فرزندپروری می‌شود (لوئچر، دد، گیتن، فنل و ماریا^۴، ۱۹۹۹).

^۱.Rahkar Farshi, M.

^۲.Tashakkori, A., & Mehryar, A. H.

^۳.parental burnout

^۴.Luecher, J. L., Dede, D. E., Giten, J. C., Fennel, E., & Maria, B. L.

«فرسودگی والدینی» در چهار بعد خستگی^۱ از نقش والدینی، فاصله هیجانی گرفتن^۲ از فرزندان، از دست دادن کارایی و عملکرد والدینی و تقابل با نقش والدینی خود در گذشته تعریف می‌شود (رزکام، بیریاندا و میکولایچک^۳، ۲۰۱۸). والدین فرسوده، تجربیاتی از خستگی، فشار روانی، اضطراب و افسردگی دارند (کاسویا، بیلی و تاکوچی^۴، ۲۰۱۰). والدین فرسوده از مواجهه روزانه با فرزندان خسته می‌شوند و از نقش والدینی خود بیزارند، احساس تهی شدن و خودتقصیری^۵ دارند، کمتر درگیر برقراری رابطه فعال با فرزندان شده و از مدیریت کارآمد مسائل فرزندانشان عاجزند (میکولایچک، بیریاندا، اولوئس و رزکام^۶، ۲۰۱۸).

مطالعات مربوط به فرسودگی والدینی در اوایل قرن ۲۱ پدید آمد، مطالعاتی که بر خستگی و نگرانی والدین از مراقبت از کودکان دارای شرایط بهداشتی حاد و مزمن متمرکز بودند (لبرت-چارون، درارد، بوجو و وندلند^۷، ۲۰۱۸). پیشینه مطالعات نظام‌مند بر روی فرسودگی در بافت تعاملات والد-فرزند به پژوهش‌های پلسما، رونالد، تلفسن و یگیتن^۸ (۱۹۸۹) و نوربرگ^۹ (۲۰۰۷) برمی‌گردد، موقعیتی که در آن وظایف و مسئولیت‌های فرزندپروری برای والدین به مثابه کار تلقی شده و توان و انرژی روانی زیادی از والدین را صرف می‌کند. از سرگیری مطالعات در این حوزه به مطالعات رزکام، رائس^{۱۰} و میکولایچک (۲۰۱۷) برمی‌گردد، نتایج این مطالعات نشان می‌دهند که فرسودگی والدین یک سندرم چندعاملی است که عمدتاً با سه مجموعه از عوامل پیش‌بینی می‌شود: ویژگی‌های پایدار والدین، عملکرد والدین و عملکرد خانواده. این مطالعات نشان دادند که فرسودگی در والدین، با عوامل مختلف زمینه‌ای^{۱۱} چون سن مادر و سن

^۱.exhaustion

^۲.emotional distancing

^۳.Roskam, I., Brianda, M. E., & Mikolajczak, M.

^۴.Kasuya, R. T., Bailey, P., & Takeuchi, R.

^۵.self-blame

^۶.Mikolajczak, M., Brianda, M. E., Avalosse, H., & Roskam, I.

^۷.Lebert-Charron, A., Dorard, G., Boujut, E., & Wendland, J.

^۸. Pelsma, D. M., Roland, B., Tollefson, N., & Wigington, H.

^۹.Norberg

^{۱۰}.Raes, M. E.

^{۱۱}.demographic factors



کودک و سلامت کودک، تعداد فرزندان تحت‌مراقبت، جنسیت مراقب، تعداد مراقبان، وضعیت اقتصادی-اجتماعی (لوگوریکس و اسکولا^۱، ۲۰۱۸؛ میکولایچک و همکاران {a}، ۲۰۱۸؛ دنی، ریندفلایچ و بین^۲، ۱۹۹۹؛ بلانچارد، گورکا و بلکمن^۳، ۲۰۰۶؛ نوربرگ، ۲۰۰۷؛ لیندستورم، امان و نوربرگ^۴، ۲۰۱۱؛ وینیاک و دوانا^۵، ۲۰۱۷) و عوامل شخصیتی چون هوش هیجانی و باورهای خودکارآمدی بالا در والد و عوامل رابطه‌ای^۶ چون شیوه‌های مثبت فرزندپروری، مشارکت در وظایف فرزندپروری و رضایت زناشویی رابطه دارد (میکولایچک و همکاران {a}، ۲۰۱۸).

به نظر دایان و سزین^۷ (۲۰۰۳؛ میکولایچک و همکاران، ۲۰۱۷) فرسودگی والدین با مطالبات مداوم نیازهای خانواده، سردرگمی نقش، انتظارات غیرواقعی، عدم کنترل و مطالبات غیرمنطقی محیط در ارتباط است. مادران و به‌ویژه مادران شاغل که معمولاً مراقبان اصلی فرزندان هستند، در بسیاری از موارد به دلیل فشار ناشی از این انتظارات بالا و چندجانبه در معرض خطر استرس زیادند (لبرت‌چارون و همکاران، ۲۰۱۸). باروچ، بیر و بارنت^۸ (۱۹۸۷) بر این باورند که نقش زنان در خانواده که سطح زیادی از تقاضای روان‌شناختی را با سطح کنترل کم همراه دارد، ممکن است استرس زیادی را به وجود آورد. میزان استرس والدین نیز در والدین دارای فرزند(ان) خردسال یا تعداد زیاد فرزند بیشتر است (نیمبی، لوندبرگ، و گار و مک‌نیل^۹، ۱۹۹۷). علاوه براین، یکنواختی کارهای بی‌پایان روزانه نیز منجر به استرس می‌شود (فیشر^{۱۰}، ۱۹۹۱) به نقل از لبرت‌چارون و همکاران، ۲۰۱۸). سرانجام، هنگامی که مادران کارهای حرفه‌ای و مراقبت از

¹.Le Vigouroux, S., & Scola, C.

².Denby, R., Rindfleisch, N., & Bean, G.

³.Blanchard, L. T., Gurka, M. J., & Blackman, J. A.

⁴.Lindström, C., Åman, J., & Norberg, A. L.

⁵.Vinayak, S., & Dhanoa, S.

⁶. interactional factors

⁷.Duygun, T., & Sezgin, N.

⁸. Baruch, G. K., Biener, L., & Barnett, R. C.

⁹. Nimby, G. T., Lundberg, L., Sveger, T., & McNeil, T. F.

¹⁰. Fisher

کودک را ترک می‌کنند، در معرض خطر ابتلا به اختلالات خلقی و هیجانی چون اضطراب یا سندرم افسردگی می‌شوند (نیرد^۱، ۲۰۰۰؛ به نقل از لبرت چارون و همکاران، ۲۰۱۸).

منبع فرسودگی والدینی (خصوصیات محیطی، کودک و/یا والدین) هرچه که باشد، دارای پیامدهای نامطلوب برای کودک و والدین است و نه تنها بهزیستی و تعاملات زناشویی والدین، بلکه روش‌های فرزندپروری، تعامل والد-کودک و رشد کودک را به‌طور چشمگیری به مخاطره انداخته (لاوی و همکاران ۱۹۹۶؛ به نقل از لبرت چارون و همکاران، ۲۰۱۸)، موجب تهی شدن والدین از انرژی، پرشدن از احساس خودتقصیری^۲، خشم و دیگر پیامدهای احتمالی چون افکار فرار و خودکشی، اعتیاد، اختلالات خواب، احساس جدایی از شریک زندگی و غفلت و خشونت نسبت به فرزند(ان) می‌شود (میکولایچک و همکاران، ۲۰۱۷). لذا، به نظر می‌رسد با توجه به نبودن این حوزه از برآیندهای تعامل والد-کودک، بررسی عوامل زمینه‌ساز فرسودگی در والدین از اهمیت زیادی برخوردار باشد، به‌ویژه در شرایط اجتماعی که زنان زیادی به امید دستیابی به استقلال مالی و کسب جایگاه شغلی، مسیر طولانی تحصیل را بر خود هموار می‌سازند.

با توجه به تحولات رو به رشد اجتماعی در حوزه ورود زنان به عرصه کسب تحصیلات عالی و جایگاه‌های ویژه شغلی و هم‌تا با مردان در جامعه، حضور کمتر آن‌ها در خانه و رسیدگی به مسئولیت‌های خانه و فرزندپروری، این سوال مطرح می‌شود که نگرش‌های زنان شاغل نسبت به ایفای مسئولیت‌های فرزندپروری و پیامدهای ناشی از مراقبت فرزندان چگونه است و چه تفاوتی با مادران غیرشاغل دارد، از این‌رو، این پژوهش درصدد است تا با هدف مقایسه نگرش به نقش‌های جنسیتی و فرسودگی والدینی در دو گروه از مادران شاغل و غیرشاغل و بررسی اثر شغل بر متغیرهای مورد مطالعه پژوهش، به این پرسش پاسخ دهد:

آیا بین دو گروه از مادران شاغل و غیرشاغل در نگرش به نقش‌های جنسیتی تفاوت معناداری وجود دارد؟

^۱.Naerde

^۲.self-blame



و آیا بین مادران شاغل و غیرشاغل در پیامدهای فرسایشی ناشی از مسئولیت‌های فرزندپروری تفاوت معناداری وجود دارد؟

روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی، از حیث زمان اجرا مقطعی و از نوع پس‌رویدادی است. جامعه پژوهش حاضر دو گروه از مادران شاغل و غیرشاغل شهر تهران اند که در پاییز ۱۳۹۷ در شهر تهران ساکن بودند. بدین منظور ۷۶ مادر شاغل و ۱۱۹ مادر غیرشاغل شهر تهران از نقاط پنج‌گانه شهر تهران (شمال، جنوب، مرکز، شرق و غرب) به روش در دسترس و مراجعه به مراکز عمومی شهر چون پارک‌ها، کلوب‌های ورزشی، فرهنگسراها، سراهای محله و گاه در منازل با جلب مشارکت آن‌ها برای انجام پژوهش انتخاب شدند. ملاک ورود به پژوهش، داشتن حداقل یک فرزند تحت مراقبت در منزل، شاغل (داشتن حرفه درآمدزا) یا غیرشاغل بودن (بدون حرفه درآمدزا)، ساکن تهران بودن، برخورداری از سلامت جسمی و نداشتن سابقه بستری ناشی از مشکلات روان‌شناختی و تمایل برای شرکت در پژوهش با رعایت حفظ محرمانگی پاسخ‌های آن‌ها بود. از بین مادران شاغل، ۶۵ نفر به صورت خانواده دوالدی، ۱۰ نفر به صورت تک‌والدی و یک نفر به صورت فرزندخواندگی زندگی کرده، بین ۳-۱ فرزند داشتند، ۶۳ نفر از مادران شاغل با احتساب خود به یک مراقبت‌کننده، ۱۱ نفر به دو مراقبت‌کننده و ۲ نفر به ۴ تا ۵ مراقبت‌کننده برای فرزندان تحت مراقبت خود دسترسی داشتند. در بین مادران غیرشاغل، ۱۰۸ مادر به صورت خانواده دوالدی، ۷ نفر به صورت تک‌والدی و ۴ نفر به صورت پذیرش فرزندخوانده زندگی می‌کردند، این مادران بین ۷-۱ فرزند داشتند (دو نفر دارای ۴ فرزند و فقط سه نفر به ترتیب دارای ۵، ۶ و ۷ فرزند بودند)، ۱۱۶ نفر از این مادران با احتساب خود به یک مراقبت‌کننده و ۳ نفر به دو مراقبت‌کننده دسترسی داشتند.

ابزارهای پژوهش عبارت اند از :

سنجش فرسودگی والدینی^۱: این مقیاس را رزکام، بیراندا و میکولایچک^۲ در ۲۳ گویه (۲۰۱۸) برای ارزیابی میزان خستگی و فرسودگی والدین از داشتن فرزند و فرزندداری در طیف لیکرت ۷ درجه‌ای از هرگز (۰) تا همیشه (۶) و در چهار خرده‌مقیاس خستگی از نقش والدینی خود، تقابل با خود والدینی گذشته، احساس بی‌زاری و اشباع از نقش والدینی خود و فاصله عاطفی-گرفتن از نقش والدینی خود ساختند. پایایی و روایی آن در مطالعه سازندگان آن در فرهنگ‌ها و در دو جنس قابل قبول گزارش شده است. این مقیاس را در ایران موسوی (۲۰۱۸) طی فرایند اجرای طرح بین‌المللی^۳ به هدایت رزکام و میکولایچک (۲۰۱۸) به فارسی برگردانده و آن را موسوی، رزکام و میکولایچک (۲۰۲۰) اعتباریابی کردند. در پژوهش موسوی (۱۳۹۸) و مطالعه حاضر، پایایی خرده‌مقیاس‌ها و کل مقیاس با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به شرح جدول ۱ به دست آمده است:

جدول ۱. ضرایب آلفای مقیاس فرسودگی والدینی و ابعاد آن

ابعاد سنجش فرسودگی والدینی	تعداد گویه	ضریب آلفا موسوی (۱۳۹۸)	ضریب آلفا پژوهش حاضر
کل مقیاس	۲۳	۰/۹۶	۰/۹۴
خستگی از نقش والدینی	۹	۰/۹۱	۰/۸۳
تقابل با خود والدینی در گذشته	۶	۰/۹۰	۰/۹۰
احساس بی‌زاری و اشباع از نقش والدینی	۵	۰/۸۸	۰/۹۲
فاصله عاطفی گرفتن از نقش والدینی	۳	۰/۶۹	۰/۵۶

^۱. Parental Burnout Assessment

^۲. Roskam, I., Brianda, M. E., & Mikolajczak, M.

^۳. International Investigation of Parental Burnout (IIPB)

مقیاس نگرش به نقش‌های جنسیتی^۱: ارزیابی نگرش نسبت به نقش‌های جنسیتی در مطالعات تطبیقی (بین فرهنگی) امری چالش‌انگیز است، این مقیاس ۱۲ گویه‌ای در طیف لیکرت ۷ درجه‌ای از کاملاً مخالف (۰) تا کاملاً موافق (۶) درجه‌بندی شده و از ترکیب دو مقیاس بزرگ در دو مطالعه برنامه مطالعات اجتماعی بین‌المللی ۲۰۰۲ و بررسی ارزش‌های جهانی ۲۰۰۵، بر روی ۴۱ کشور طی مراحل ارزیابی محتوایی و تحلیل عاملی تاییدی چندگانه انجام شد. نتایج مطالعه کنستانتین و ویسو (۲۰۱۵) نشان داد که این مقیاس برای ارزیابی نگرش نسبت به نقش‌های جنسیتی و دیگر مفاهیم نظری مرتبط مناسب است. این مقیاس مشتمل بر سه خرده‌مقیاس نقش‌های سنتی (۳ گویه)، ویژه جنس (۵ گویه) و دوگانه جنسیتی (۴ گویه) است. در پژوهش حاضر، پایایی هر سه بعد نقش‌های سنتی، ویژه جنس و دوگانه جنسیتی با استفاده از آلفای کرونباخ در جدول ۲ آمده است:

جدول ۲. ضرایب آلفای ابعاد مقیاس نگرش به نقش‌های جنسیتی

ضریب آلفا	تعداد گویه	ابعاد نگرش به نقش‌های جنسیتی
۰/۷۸	۳	نقش‌های جنسیتی سنتی
۰/۷۵	۵	نقش‌های ویژه جنس
۰/۶۶	۴	نقش‌های دوگانه جنسیتی

داده‌ها از پرسش‌نامه‌های تکمیل شده مادران هر دو گروه، در دو بخش شاخص‌های توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد و تعداد شرکت‌کنندگان هر گروه) و استنباطی (آزمون t گروه‌های مستقل) به دست آمد و از نرم‌افزار SPSS24 برای تحلیل استفاده شد.

^۱. Attitudes towards Gender roles Questionnaire

یافته‌های پژوهش

جدول ۳. میانگین و انحراف استاندارد نگرش به نقش‌های جنسیتی، فرسودگی والدینی و سایر متغیرهای زمینه‌ای در مادران شاغل و غیرشاغل

مادران غیرشاغل			مادران شاغل			متغیرهای پژوهش
N	SD	M	N	SD	M	
	۲۲/۳۸	۱۶/۴۳		۱۷/۶۲	۱۴/۱۳	فرسودگی والدینی (کل)
	۱۰/۰۳	۸/۳۹		۷/۵۵	۶/۹۹	خستگی از نقش والدینی خود
	۶/۶۵	۳/۶۱		۶/۴۴	۳/۵۳	تقابل با خود والدینی گذشته
	۴/۶۹	۱/۷۲		۴/۲۶	۱/۷۸	احساس بی‌زاری از نقش والدینی
	۳/۸۲	۲/۷		۲/۷۵	۱/۸۴	فاصله عاطفی گرفتن از نقش والدینی
	۵/۰۲	۷/۹۷		۴/۴۷	۷/۵۷	نقش‌های جنسیتی سنتی
۱۱۹	۶/۴	۱۸/۶۱	۷۶	۶/۶۴	۱۶/۳۸	نقش‌های جنسیتی ویژه
	۴/۵۳	۱۵/۳۴		۴/۰۴	۱۷/۲۵	نقش‌های دوگانه جنسیتی
	۳/۵	۸/۷۶		۲/۹۶	۵/۹۷	تعداد ساعات سپری شده با فرزندان
	۲/۸۲	۱۲/۵		۲/۸۶	۱۴/۶۴	سطح تحصیلات مادر
	۷/۹۷	۳۸/۰۱		۸/۲۳	۳۹/۵۵	سن مادر
	۹/۱۳	۱۵/۰۶		۹/۶	۱۳/۴۹	سن بزرگ‌ترین فرزند
	۷/۳۷	۹/۸		۸/۱۴	۱۱/۴۷	سن کوچک‌ترین فرزند

جدول ۳ میانگین‌ها و انحراف استاندارد متغیرهای مورد مطالعه پژوهش را نشان می‌دهد. جدول فوق نشان می‌دهد که مادران غیرشاغل نمرات فرسودگی بالاتری نسبت به مادران شاغل دارند، همچنین خستگی بیشتری از نقش والدینی خود گزارش کردند، جدول ۳ همچنین نشان داد که هر دو گروه مادران شاغل و غیرشاغل در نگرش به نقش‌های سنتی تفاوت چندانی با یکدیگر نداشتند، مادران غیرشاغل نگرش نیرومندتری به نقش‌های ویژه جنس داشتند، در مقابل،



مادران شاغل نسبت به مادران غیرشاغل به نگرش‌های دوگانه جنسیتی و نگرش‌های برابری-خواهانه در ایفای نقش‌های جنسیتی اعتقاد بیشتری داشتند. به منظور بررسی معناداری این تفاوت‌ها از آزمون t گروه‌های مستقل در جدول ۴ استفاده شده است:

جدول ۴. بررسی تفاوت مادران شاغل و غیرشاغل در نگرش به نقش‌های جنسیتی، فرسودگی والدینی و سایر متغیرهای زمینه‌ای

خطای استاندارد میانگین	تفاوت میانگین	d	p	df	t	
۳/۰۳	-۲/۳	۰/۱۱	۰/۴۵	۱۹۳	-۰/۷۶	فرسودگی والدینی (کل)
۱/۳۴	-۱/۴۱	۰/۱۵	۰/۲	۱۹۳	-۱/۰۵	خستگی از نقش والدینی خود
۰/۹۷	-۰/۰۸	۰/۰۱	۰/۹	۱۹۳	-۰/۰۹	تقابل با خود والدینی گذشته
۰/۶۷	۰/۰۵	۰/۰۱	۰/۹۳	۱۹۳	۰/۰۸	احساس بی‌زاری از نقش والدینی
۰/۵۱	-۰/۸۶	۰/۲۵	۰/۰۹	۱۹۳	-۱/۶۹	فاصله عاطفی گرفتن از نقش والدینی
۰/۷۱	-۰/۴۱	۰/۰۸	۰/۵۶	۱۹۳	-۰/۵۸	نقش‌های جنسیتی سنتی
۰/۹۵	-۲/۲۲	۰/۳۴	۰/۰۲	۱۹۳	-۲/۳۳	نقش‌های جنسیتی ویژه
۰/۶۳	-۱/۹۱	۰/۴۳	۰/۰۰۳	۱۹۳	۲/۹۹	نقش‌های دوگانه جنسیتی
۰/۵	-۲/۷۹	۰/۸۳	۰/۰۰۱	۱۹۰	-۵/۶۳	تعداد ساعات سپری شده با فرزندان
۰/۴۲	۲/۱۴	۰/۷۵	۰/۰۰۱	۱۹۳	۵/۱۵	سطح تحصیلات مادر
۱/۱۹	۱/۵۵	۰/۱۹	۰/۲	۱۹۰	۱/۲۹	سن مادر
۱/۳۹	-۱/۵۶	۰/۱۶	۰/۲۶	۱۸۷	-۱/۱۳	سن بزرگ‌ترین فرزند
۱/۵	۱/۶۷	۰/۲۱	۰/۲۶	۱۱۷	۱/۱۲	سن کوچک‌ترین فرزند

جدول ۴ نشان می‌دهد که دو گروه مادران شاغل و غیرشاغل در نمرات فرسودگی کلی و ابعاد آن شامل خستگی از نقش والدینی، تقابل با خود والدینی، احساس بی‌زاری از نقش والدینی و فاصله عاطفی گرفتن از نقش والدینی تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند ($p > ۰/۰۵$). اندازه

اثر حاصل نشان می‌دهد که تاثیر شغل بر فرسودگی والدینی کم است. دو گروه مادران شاغل و غیرشاغل در نگرش به نقش‌های جنسیتی ویژه و نقش‌های دوگانه جنسیتی تفاوت معناداری با یکدیگر داشتند، با نگاهی به جدول ۳ می‌توان مشاهده نمود که مادران غیرشاغل در نگرش به نقش‌های ویژه جنس ($t=193, p < 0.05, d=0.34$) و مادران شاغل در نگرش‌های دوگانه به ایفای نقش‌های جنسیتی نمرات بیش‌تری از گروه دیگر به دست آوردند ($d=0.43$), $p < 0.001, t=193$). این جدول همچنین نشان داد مادران شاغل و غیرشاغل از حیث ساعاتی که با فرزندان خود در منزل سپری می‌کنند با یکدیگر تفاوت معناداری دارند ($d=0.83, p < 0.001, t=190$), اندازه اثر مشاهده‌شده نشان می‌دهد تاثیر ساعات سپری‌شده بر فرسودگی والدینی زیاد است. با نگاهی به میانگین ساعات سپری‌شده توسط هر دو گروه از مادران با فرزندانشان در منزل مشاهده می‌شود که مادران غیرشاغل ساعات بیشتری را با فرزندانشان سپری می‌کنند که با عنایت به میزان فرسودگی والدینی بالا در این گروه این موضوع قابل بحث است.

نتایج جدول ۴ همچنین نشان داد که دو گروه مادران شاغل و غیرشاغل از حیث سن خود و سن فرزندان تفاوت معناداری با یکدیگر نداشتند، اما از حیث سطح تحصیلات تفاوت معناداری با یکدیگر داشتند ($d=0.75, p < 0.001, t=193$), با نگاهی به جدول ۳ می‌توان مشاهده نمود که مادران شاغل میانگین سطح تحصیلی بالاتری نسبت به گروه مادران غیرشاغل داشتند.

بحث و نتیجه‌گیری

زنان به عنوان نیمی از سرمایه‌های انسانی کشور، نقش بی‌بدیلی در پرورش دادن نیم دیگر جامعه و ساختن جامعه بالنده ایفا می‌کنند، رسالتی که در قالب نقش همسری و مادری در طول سالیان متمادی بر عهده زنان بوده و کمال برآورده شدن آن نیز از عهده زنان برمی‌آید. اگرچه نقش‌های مادری و همسری در سراسر جهان با تحولات و دگرگونی‌های اجتماعی ناشی از جنبش‌های

زنانه دستخوش تغییراتی شده و با هدف تغییر ساختارهای فلسفی و سیاسی جامعه، نگرش‌های برابری‌جویانه‌ای را در ایفای نقش‌های فردی و اجتماعی در زنان ایجاد نموده است. با این حال، بسته به مؤلفه‌های فرهنگی و دینی حاکم بر هر جامعه، این تغییرات شدت و ضعف‌هایی داشته است. برخی مطالعات نشان دادند در موقعیت‌هایی که مادر خانه‌دار و پدر تنها نان‌آور و مسئول تأمین مایحتاج خانواده است، نگرش‌های جنسیتی سنتی مبنی بر حضور زنان در عرصه خصوصی مراقبت و حضور مرد در عرصه عمومی مراقبت از نهاد خانواده تشویق، تأیید و تقویت می‌شود (ویسو و کنستانتین، ۲۰۱۶). جامعه ایرانی نیز به عنوان یک جامعه شرقی مبتنی بر سنت‌ها، جامعه‌ای در حال گذار است که دچار تغییرات نگرشی در برخی سطوح و خرده‌فرهنگ‌ها مانند ورود زنان به عرصه تحصیلات و اشتغال و رقابت با دنیای مردان برای کسب جایگاه شغلی شده است. این در حالی است که زنان نقش‌های ازپیش‌تعریف‌شده همسری و مادری را همچنان برعهده دارند و در کنار ایفای نقش‌های خانوادگی خود، به عرصه تعاملات اجتماعی روی آورده و مسئولیت‌های مضاف بر مسئولیت‌های خانواده را متحمل می‌شوند. این پژوهش با طرح این پرسش که زنان واردشده به عرصه تعاملات اجتماعی چه تفاوتی با زنان غیرشاغل در نگرش به نقش‌های جنسیتی داشته و چه تفاوتی از حیث احساس روانی ناشی از مسئولیت‌های مراقبت از فرزندان با زنان غیرشاغل دارند، بر روی گروهی از مادران ساکن کلان‌شهر تهران انجام شد.

نتایج پژوهش نشان داد زنان شاغل بیش از زنان غیرشاغل دارای نگرش‌های برابری‌خواهانه به نقش‌های جنسیتی بوده و زنان غیرشاغل نسبت به زنان شاغل به نقش‌های جنسیتی ویژه و ایفای نقش‌های ویژه مردان یا زنان اعتقاد بیشتری داشتند. این یافته با نتایج مطالعات کانینگهام و همکاران (۲۰۰۵)؛ بانازاک و لیلهی (۱۹۹۱) و ویلینسکی (۲۰۰۲) همسوست. نتایج این مطالعات نشان دادند عواملی چون سطح تحصیلات، پیشینه اقتصادی-اجتماعی و بافت سیاسی-اجتماعی می‌تواند در تعدیل نگرش‌های زنان و مردان به نقش‌های جنسیتی موثر باشد، در کشور در حال توسعه ایران به‌ویژه در کلان‌شهرها، شرایط ادامه تحصیل، زمینه‌های اشتغال، سیاست‌ها و حقوق اجتماعی معطوف به نفع زنان، مواجهه‌های بیشتر با فرهنگ‌های دیگر، دسترسی به رسانه‌های مختلف و... نگرش‌های جنسیتی زنان به نفع بهره‌گیری از ظرفیت‌های برابری‌جویانه

با مردان را در عرصه‌های عمومی تعدیل کرده‌است. در تبیین‌های مبتنی بر مواجهه^۱ (بلنزندهال و میرزا، ۲۰۰۴) وجود نگرش‌های دوگانه جنسیتی در مادران شاغل را می‌توان این‌گونه تفسیر کرد که زنان شاغل با تحصیلات و درآمد بیشتر حاصل از شغل، در مواجهه با باورها و نگرش‌های جنسیتی عادلانه، نگرش‌های برابری خواهانه‌ای نسبت به ایفای نقش‌ها و تکالیف زنانه و مردانه اتخاذ کرده و البته با استناد به تحلیل مبتنی بر سود^۳، استقلال مالی بیشتری دارند و از مزایای حاصل از چنین نگرش‌هایی بیش از پیش به نفع دستیابی به اهداف فردی و اجتماعی خود منتفع می‌شوند، در حالی که زنان غیرشاغل به دلیل تعریف نکردن نقشی برای حضور در اجتماع و ایفای مسئولیت‌های اجتماعی به نقش‌های ویژه برای هر جنس قائل اند. در هر صورت، زنان فارغ از اینکه چه نگرش و دیدگاهی به نقش‌های جنسیتی داشته باشند، با ازدواج و تشکیل خانواده دیدگاه عینی‌تری به نقش‌های جنسیتی در پیش می‌گیرند. از این روست که محققانی چون گیسلر و کرینفیلد (۲۰۱۱) نشان دادند که ازدواج و پذیرش مسئولیت‌های خانوادگی موجب تجدیدنظر در نگرش به نقش‌های جنسیتی به نفع یک رابطه ارضاکنده زناشویی یا والد-فرزندی می‌شود. از این روست که مشاهده می‌شود تعریف نقش‌های اجتماعی و اتخاذ رویکردی برابری‌جویانه به نقش‌های جنسیتی در زنان شاغل آن‌ها را از ایفای نقش‌ها و مسئولیت‌های همسری و مادری باز نمی‌دارد، مسئولیت‌هایی که علی‌رغم تحولات و دگرگونی‌های اجتماعی و افزایش انتظار از مردان برای مشارکت در وظایف درون‌خانوادگی همچنان جزء وظایف اصلی مادران تلقی می‌شود (فلاحتی، ۱۳۹۵؛ دشتی‌خویدکی و حسینی، ۱۳۹۴)، با این حال، به نظر می‌رسد پذیرش مسئولیت‌های چندگانه و قرارگرفتن در فشار زمان برای ایفای بهتر مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی، عاری از پیامد نبوده، ممکن است فشار روانی بیشتری بر آن‌ها وارد کرده و پیامدهای ناشی از آن در قالب خستگی از وظایف فرزندپروری نمود پیدا کند. با این حال، نتایج پژوهش حاضر اگرچه نشان داد زنان شاغل و غیرشاغل در تجربه فرسودگی والدینی تفاوت آماری

^۱.exposure-based

^۲.Bolzendahl, C. I., & Myers, D. J.

^۳.interest-based

معناداری با یکدیگر نداشتند، اما نگاهی به میانگین نمرات فرسودگی در هر دو گروه نشان می‌دهد زنان غیرشاغل علائم فرسودگی والدینی بیشتری نسبت به زنان شاغل گزارش کرده‌اند. اگرچه مطالعات در حوزه فرسودگی والدینی هنوز دوران طفولیت خود را طی می‌کند، با این حال، نتایج همین تعداد پژوهش‌های محدود نشان می‌دهد که مادران (به دلیل قرارگرفتن بار بیشتر مراقبت فرزند/فرزندان بر آن‌ها) بیش از پدران و همچنین مادران دارای فرزندان بیشتر و خردسال به دلیل مسئولیت‌های بیشتر مراقبت و والدین دارای وضعیت اقتصادی-اجتماعی پایین فرسودگی والدینی بیشتری را تجربه می‌کنند (لوگوریکس و اسکولا، ۲۰۱۸؛ میکولایچک و همکاران {a}، ۲۰۱۸؛ دنی و همکاران، ۱۹۹۹؛ بلانچارد و همکاران، ۲۰۰۶؛ نوربرگ، ۲۰۰۷؛ لیندستورم و همکاران، ۲۰۱۱؛ وینیاک و دوانا، ۲۰۱۷)، با این حال، تجربه فرسودگی والدینی و تبیین آن با یک عامل محدود تبیینی ساده است، والدین شاغل علی‌رغم تحمل فشارهای مضاعف ناشی از مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی به دلیل برخورداری از وضعیت اقتصادی و درآمد مکفی، استفاده از خدمات اجتماعی چون پرستار یا سپردن فرزندانشان در قسمتی از روز به مراقبان جانشینی، همچنین مدیریت بهتر زمان برای رسیدگی به وظایف فرزندپروری در ساعات حضور در خانه و احساس خودکارآمدی بالا در انجام وظایف خانه و فرزندپروری خستگی‌های ناشی از مراقبت از فرزند را تخفیف می‌دهند. برخی مطالعات نیز حاکی از تأثیر مثبت اشتغال بر برآیندهای مثبت فردی و زناشویی در زنان بوده است (مزلیچ و جکسون، ۱۹۸۵؛ فرجی پاک و همکاران، ۱۳۹۹)، با این حال، زنان شاغل به دلیل اتخاذ نگرش‌های دوگانه جنسیتی، صرف بخشی از روز خود به اشتغال و به مشارکت طلبیدن همسران خود در وظایف فرزندپروری فشار ناشی از مسئولیت‌های فرزندان را بین خود توزیع می‌کنند، موضوعی که در زنان غیرشاغل چالش‌انگیز بوده و تبیینی موجه برای تسهیم و تقسیم مسئولیت‌های فرزندان با همسران ندارد. تجربه خستگی بیشتر از وظایف فرزندپروری در زنان غیرشاغل با عنایت به تعداد ساعات سپری‌شده این مادران با فرزندان نیز قابل تبیین است، هرچه ساعات بیشتری از روز با فرزندان سپری می‌شود، احتمال تجربه خستگی بیشتر افزایش می‌یابد، اگرچه کیفیت گذران ساعات سپری‌شده با فرزندان مادران شاغل و غیرشاغل موضوعی در خور توجه و نیازمند مطالعات بیشتر است. توجه به نوع شغل و

زمان اشتغال مادران با عنایت به نوع خدمتی که به اجتماع ارائه می‌کنند، نگرش به مسئولیت‌های فرزندپروری و جایگزینی مراقبت‌کننده در ساعات غیبت از خانه، اصلاح پندارهٔ مربوط به رفتارهای مادرانهٔ خود و ایجاد توازن بین مسئولیت‌های اجتماعی و مادری و اتخاذ رویکردهای جبرانی برای ساعات غیبت، به‌مشارکت‌طلبیدن همسران برای مادران شاغل، برنامه‌ریزی برای گذران صحیح و مؤثر اوقات فراغت با فرزندان در مادران غیرشاغل، تبیین و تقویت نقش مادری در آن‌ها و... از جمله پیشنهادهای کاربردی پژوهش حاضر به‌شمار می‌رود، به‌علاوه، با توجه به محدودیت مطالعه بر عوامل مختلف زمینه‌ای، تعاملی و اجتماعی، توجه به ابعاد زمینه‌ای والد-محور و فرزند محور، متغیرهای تعاملی (روابط والدین و روابط والد-فرزند) و فرهنگی-اجتماعی دخیل در فرسودگی والدین از مسئولیت‌های فرزندپروری در قالب پژوهش‌های کیفی از پیشنهادهای پژوهشی است که نیازمند مطالعات آتی است.

قدردانی

از همهٔ مادران شرکت‌کننده در پژوهش که با رضایت آگاهانه به انجام پژوهش حاضر کمک کردند، قدردانی می‌شود.

سهم نویسندگان

نویسندهٔ مسئول، مسئولیت انجام پژوهش، تحلیل داده‌ها و نگارش مقاله را بر عهده دارد.

تعارض منافع

پژوهش حاضر هیچ تعارضی با منافع فرد یا سازمانی ندارد.

منابع

- دشتی خویدکی، منصوره و حسینی، سیدحسن. (۱۳۹۴). بررسی مقایسه‌ای میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی و رابطه‌ی آن با میزان دینداری (مطالعه زنان و مردان بالای ۲۰ سال منطقه ۶ تهران در سال ۱۳۹۲). *مطالعات زن و خانواده*، ۳(۲)، ۱۵۱-۱۸۳.
- راوودراد، اعظم و نائی، هوشنگ. (۱۳۹۶). تحلیل جنسیتی نقش‌های مورد انتظار و کار بسته زنان در خانواده. *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، ۵(۱)، ۲۷-۵۸.
- علی اکبری دهکردی، مهناز؛ محتشمی، طیبه؛ حسن‌زاده، پرستو و شهریاری، حسینه. (۱۳۹۳). بررسی خصوصیات روان‌سنجی مقیاس نقش جنسی کودکان در جمعیت ایرانی. *شناخت اجتماعی*، ۳(۱)، ۷-۱۵.
- فرجی پاک، مهدی؛ خجسته‌مهر، رضا و امیدیان، مرتضی. (۱۳۹۹). مقایسه رضایت زناشویی زنان شاغل و غیرشاغل: یک مطالعه فراتحلیل. *مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان*، ۱۸(۱)، ۲۰۱-۲۴۸.
- فلاحتی، لیلا. (۱۳۹۵). نگرش به نقش‌های جنسیتی در نسبت با قومیت و جنسیت. *تحقیقات فرهنگی ایران*، ۹(۱)، ۳۳-۵۱.
- موحد، مجید؛ عنایت، حلیمه و گرگی، عباس. (۱۳۸۴). عوامل اقتصادی اجتماعی موثر بر نگرش زنان نسبت به نابرابری‌های جنسیتی. *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، ۳(۲)، ۹۵-۱۱۳.
- موسوی، سیده‌فاطمه. (۱۳۹۸). فرسودگی و خستگی ناشی از وظایف والدینی: نقش متغیرهای زمینه‌ای والد-فرزند. *مطالعات ناتوانی*، شماره ۹.
- نیازی، محسن؛ گنجی، محمد و شفائی مقدم، الهام. (۱۳۹۲). بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر نگرش به طرحواره جنسیتی نقش‌های خانوادگی، اجتماعی و حرفه‌ای زنان. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۲(۲)، ۸۱-۱۱۶.

- Aliakbari Dehkordi, M., Mohtashami, T., Hasanzadeh, P., & Shahryari, H. (2014). The Study of Psychometric Characteristics of Children's Sex Role Inventory in Iranian population. *Social Cognition*, 3(1), 7-15. [Text in Persian].
- Banaszak, L. A. & Leighley, J. E. (1991). How employment affects women's gender attitudes. The workplace as a locus of contextual effects. *Political Geography Quarterly*, 10(2), 174-185.
- Banaszak, L. A., & Plutzer, E. (1993). Contextual determinants of feminist attitudes: National and subnational influences in Western Europe. *American Political Science Review*, 145-157.
- Baruch, G. K., Biener, L., & Barnett, R. C. (1987). Women and gender in research on work and family stress. *American Psychologist*, 42(2), 130.
- Bergh, J. (2006). Gender attitudes and modernization processes. *International Journal of Public Opinion Research*, 19(1), 5-23.
- Blanchard, L. T., Gurka, M. J., & Blackman, J. A. (2006). Emotional, developmental, and behavioral health of American children and their families: A report from the 2003 national survey of children's health. *Pediatrics*, 117, e1202-e1212.
- Bolzendahl, C. I., & Myers, D. J. (2004). Feminist attitudes and support for gender equality: Opinion change in women and men, 1974-1998. *Social forces*, 83(2), 759-789.
- Borelli, J. L., Nelson, S. K., River, L. M., Birken, S. A., & Moss-Racusin, C. (2017). Gender differences in work-family guilt in parents of young children. *Sex Roles*, 76(5-6), 356-368.
- Constantin, A., & Voicu, M. (2015). Attitudes towards gender roles in cross-cultural surveys: Content validity and cross-cultural measurement invariance. *Social Indicators Research*, 123(3), 733-751.
- Constantin, V. A. (2015). *Attitudes towards gender roles. Institutions, culture or/and individual factors shaping the attitudes towards gender roles?* (Doctoral dissertation, Universität zu Köln).
- Cunningham, M., Beutel, A. M., Barber, J. S., & Thornton, A. (2005). Reciprocal relationships between attitudes about gender and social contexts during young adulthood. *Social Science Research*, 34(4), 862-892.
- Dashti Khavidaki, M. & Hosseini, S. H. (2015). A comparative study on the acceptance of gender stereotypes and their relationship with religiosity (Study of Women and Men over 20 years old in Tehran 6th District in 2013). *Women and family studies*, 3 (2), 151-183. [Text in Persian].
- Denby, R., Rindfleisch, N., & Bean, G. (1999). Predictors of foster parents' satisfaction and intent to continue to foster. *Child abuse & neglect*, 23(3), 287-303.
- Duncan, S. (1994). Theorizing differences in patriarchy. *Environment and Planning A*, 26(8), 1177-1194.



- Duygun, T., & Sezgin, N. (2003). The Effects of Stress Symptoms, Coping Styles and Perceived Social Support on Burnout Level of Mentally Handicapped and Healthy Children? s Mothers. *Türk Psikoloji Dergisi*, 18(52), 37-52.
- Falahati, L. (2016) Attitudes towards gender roles in relation to ethnicity and gender. *Journal of Iranian cultural research*, 33: 33-60. [Text in Persian].
- Farajipak, M., khojastehmehr, R., & Omidian, M. (2020). The Comparison of Marital Satisfaction in Employed and Non-Employed Women: A Meta-Analysis. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 18(1), 201-248. doi: 10.22051/jwsps.2020.29652.2138. [Text in Persian].
- Fuegen, K., Biernat, M., Haines, E., & Deaux, K. (2004). Mothers and fathers in the workplace: How gender and parental status influence judgments of job-related competence. *Journal of Social issues*, 60(4), 737-754.
- Geisler, E., & Kreyenfeld, M. (2011). 'Against all odds: Fathers' use of parental leave in Germany. *Journal of European Social Policy*, 21(1), 88-99.
- Halpern, H. P., & Perry-Jenkins, M. (2016). Parents' gender ideology and gendered behavior as predictors of children's gender-role attitudes: A longitudinal exploration. *Sex roles*, 74(11-12), 527-542.
- Inglehart, R., & Welzel, C. (2007): *Modernization, cultural change, and democracy: the human development sequence*. New York: Cambridge University Press.
- Jakobsson, N., & Kotsadam, A. (2010). Do attitudes toward gender equality really differ between Norway and Sweden?. *Journal of European Social Policy*, 20(2), 142-159.
- Jelen, T. G. (1988). The effects of gender role stereotypes on political attitudes. *The Social Science Journal*, 25(3), 353-365.
- Kane, E. W. (1998). 'Men's and Women's Beliefs About Gender Inequality: Family Ties, Dependence, and Agreement. *Sociological Forum*, 13, 611-637.
- Kasuya, R. T., Bailey, P., & Takeuchi, R. (2010). Caregiver burden and burnout. *Postgraduate Medicine*, 108, 119-123.
- Kroska, A., J. & Elman, C. (2009). Change in attitudes about employed mothers: Exposure, interests, and gender ideology discrepancies. *Social Science Research*, 38(2), 366-382.
- Larsen, K. S., & Long, E. (1988). Attitudes toward sex-roles: traditional or egalitarian? *Sex Roles*, 19, 1-12.
- Le Vigouroux, S., & Scola, C. (2018). Differences in parental burnout: Influence of demographic factors and personality of parents and children. *Frontiers in psychology*, 9, 887.
- Lebert-Charron, A., Dorard, G., Boujut, E., & Wendland, J. (2018). Maternal burnout syndrome: contextual and psychological associated factors. *Frontiers in psychology*, 9, 885.
- Lee, K. S., Tufiş, P. A., & Alwin, D. F. (2010). Separate spheres or increasing equality? Changing gender beliefs in postwar Japan. *Journal of Marriage and Family*, 72(1), 184-201.

- Lindström, C., Åman, J., & Norberg, A. L. (2011). Parental burnout in relation to sociodemographic, psychosocial and personality factors as well as disease duration and glycaemic control in children with Type 1 diabetes mellitus. *Acta Paediatrica*, 100(7), 1011-1017.
- Lu, Y. H. (1993). Sex-role attitudes and the employment of married women---a Detroit area study. *Journal of Women and Gender Studies*, 4, 137-174.
- Luecher, J. L., Dede, D. E., Giten, J. C., Fennel, E., & Maria, B. L. (1999). Parental burden, coping and family functioning in primary caregivers of children with joubert syndrome. *Journal of Child Neurology*, 14, 642-648.
- Maslach, C., & Jackson, S. E. (1985). The role of sex and family variables in burnout. *Sex roles*, 12(7-8), 837-851.
- Mikolajczak, M., Brianda, M. E., Avalosse, H., & Roskam, I. (a) (2018). Consequences of parental burnout: Its specific effect on child neglect and violence. *Child abuse & neglect*, 80, 134-145.
- Mikolajczak, M., Raes, M. E., Avalosse, H., & Roskam, I. (b) (2018). Exhausted parents: sociodemographic, child-related, parent-related, parenting and family-functioning correlates of parental burnout. *Journal of Child and Family Studies*, 27(2), 602-614.
- Mousavi S F. (2019). The Burnout and Exhaustion Due to Parental Responsibilities: The Role of Parent-Child Demographic Variables. *MEJDS*. 9 :123-123. [Text in Persian].
- Mousavi, S. F. (2018). Collaborating from IRAN in International Investigation of Parental Burnout (IIPB), Directed by Roskam, I. & Mikolajczak, M., UC Louvain, Belgium.
- Mousavi, S. F., Roskam, I. & Mikolajczak, M. (2020). Parental burnout in Iran: Psychometric properties of the Persian (Farsi) version of the Parental Burnout Assessment (PBA). *New Directions for Child and Adolescent Development*. <https://doi.org/10.1002/cad.20369>.
- Movahhed, M., Enayat, H., & Garagi, A. (2005). The impact of socio-economic factors affecting women's attitudes toward gender inequality. *Women in Development & Politics*, 5(1), 27-58. [Text in Persian].
- Myers, C. D., Riley III, J. L., & Robinson, M. E. (2003). Psychosocial contributions to sex-correlated differences in pain. *The Clinical journal of pain*, 19(4), 225-232.
- Niazi M., Ganji, M., & Shafaii Moghaddam, E. (2014). Investigating the Social and Cultural Factors Affecting Attitudes Towards Gender Schema of the Family, Social and Occupational role of Women. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 12(2), 81-116. doi: 10.22051/jwsp.2015.1482. [Text in Persian].
- Nimby, G. T., Lundberg, L., Sveger, T., & McNeil, T. F. (1999). Maternal distress and congenital malformations: do mothers of malformed fetuses have more problems?. *Journal of psychiatric research*, 33(4), 291-301.



- Norberg, A. L. (2007). Burnout in mothers and fathers of children surviving brain tumour. *Journal of clinical psychology in medical settings*, 14(2), 130-137.
- Pelsma, D. M., Roland, B., Tollefson, N., & Wigington, H. (1989). Parent burnout: Validation of the Maslach Burnout Inventory with a sample of mothers. *Measurement and Evaluation in Counseling and Development*, 22(2), 81-87.
- Pfau-Effinger, B. (2017). *Development of culture, welfare states and women's employment in Europe*. Routledge.
- Rahkar Farshi, M., Valizadeh, L., Zamanzadeh, V., Rssouli, M., Lopez, V., & Cleary, M. (2018). Perceptions of Iranian parents towards the paternal role in raising adolescent children. *Nursing & health sciences*, 20(4), 479-485.
- Ravadrad, A. & Naebi, H. (2007). Gender Analysis of Perceived (Expected) and Performed Roles of Women in Family. *Women in Development & Politics*, 5(1), 27-58. [Text in Persian].
- Roskam, I., Brianda, M. E., & Mikolajczak, M. (2018). A step forward in the conceptualization and measurement of parental burnout: The Parental Burnout Assessment (PBA). *Frontiers in psychology*, 9, 758.
- Roskam, I., Raes, M. E., & Mikolajczak, M. (2017). Exhausted parents: development and preliminary validation of the parental burnout inventory. *Frontiers in psychology*, 8, 163.
- Sherkat, D. (2000) That They Be Keepers of the Home: The Effect of Conservative Religion on Early and Late Transition into Housewifery. *Review of Religious Research*, 41 (3), 344 – 358.
- Tashakkori, A., & Mehryar, A. H. (1982). The differential roles of parents in the family, as reported by a group of Iranian adolescents. *Journal of Marriage and the Family*, 803-809.
- Vinayak, S., & Dhanoa, S. (2017). Relationship of parental burnout with parental stress and personality among parents of neonates with hyperbilirubinemia. *International Journal of Indian Psychology*, 4(2), 102-111.
- Voicu, M., & Constantin, A. (2016). Couple's Status on Labour Market and their Attitudes towards Gender Roles. *Revista de Cercetare si Interventie Sociala*, 54.
- Wilensky, H. L. (2002) *Rich democracies: Political economy, public policy and performance*. Berkeley CA: University of California Press.

نویسندگان

f.mousavi@alzahra.ac.ir

سیده فاطمه موسوی

دانشیار پژوهشی و محقق در حوزه زن و خانواده. صاحب تالیفات متعدد و ترجمه در حوزه‌های تعاملات زناشویی و تعاملات والد-فرزند





Original Research

The Comparison of Parental Burnout Experience and Attitudes Towards Gender Roles in Employed and Non-Employed Mothers Living in Tehran

Seyyede Fatemeh Mousavi¹

Abstract

The current study was administrated to investigate the attitudes to gender roles and parental exhaustion of parting duties in mothers having or not having paid professional activity. The research method was descriptive, and the research design is ex post facto. The study sample was 195 mothers (76 employed and 119 unemployed) who participated voluntarily from five regions of north, south, west, east, and center of Tehran. Measurements included the Parental Burnout Assessment (consist of parental exhaustion, contrast with the past self of the parent, being fed up, and emotional distancing from the parenting role), and the Attitudes towards Gender Roles Questionnaire (including the traditional, the gender-specific, and the androgenic attitude). The results of the independent t-test between two groups showed that there was a significant difference between two groups of employed and unemployed mothers in attitudes towards the gender-specific role and androgenic (gender equality) role ($p = 0.02$), and there was no significant difference in parental burnout and its dimensions. The results also showed that employed mothers, although having egalitarian attitudes to gender roles and experience more role pressure than unemployed mothers, experience less parental burnout compared to unemployed mothers who have gender-specific role attitudes. It is worth considering the role of overload in employing mothers and how unemployed mothers spend their leisure time

¹ Associate Professor, Department of Psychology, Alzahra University, Tehran. Iran, f.mousavi@alzahra.ac.ir

Submit Date:27/06/2020

Accept Date:28/11/2020

DOI: 10.22051/JWSPS.2020.31965.2250

with their children according to their gender attitudes.

Keywords

Parental Burnout, Gender Roles, Employed Mothers.

Introduction

Gender roles are a set of behavioral norms or expectations from the two sexes that are learned over time under the influence of education and economics (Myers, Riley, & Robinson, 2002). Different social contexts affect not only different degrees of gender equality in different countries but also various perceptions and definitions of gender roles in people (Constantin & Voicu, 2015). The relationships between sexes play a role in time and culture, depending on social processes (Duncan, 1994). There are four types of attitudes toward gender roles including the traditional attitudes, special attitudes, androgynist (gender equality) attitudes, and patriarchal attitudes (Jelen, 1988). When studying factors influencing attitudes towards gender roles at the individual level, researchers showed that women and educated peoples (Cunningham, Beutel, Barber, & Thornton, 2005), single working men (Kane, 1998), individuals with lower religious attitudes (Sherkat, 2000), single or childless people (Banaszak & Plutzer, 1993), high-income employed people (Banaszak & Leighley, 1991), citizens living in developed countries (Wilensky, 2002), postmodern countries (Inglehart & Welzel, 2007), and communities with social policies, political rights, and civil liberties (Constantin, 2015), have egalitarian gender attitudes towards other groups. Although some studies revealed that educated employed women do not accept the traditional attitude towards gender roles (Movahhed, Enayat, & Garagi, 2005), other studies confirm this attitude more theoretically than in practice (Ravadrad & Naebi, 2007). Geisler & Kreyenfeld (2011) found that women, when married and accepted marital and parental responsibilities, would shift from egalitarian attitudes to more traditional ones, showing less

commitment and agency to job responsibilities (Fuegen, Biernat, Haines, & Deaux, 2019). However, employed women, while simultaneously accepting social roles and taking household chores, experience negative consequences that affect both themselves and their parent-child interactions (Borelli, Nelson, River, Birken, & Moss-Racusin, 2017). Overtiredness due to role overload in employed mothers can lead them to show the symptoms of parental burnout syndrome.

Burned-out parents get exhausted from daily dealing with their children and hate their parenting role, feel emptiness and self-blame, are less involved in active relationships with their children, and are unable to manage their children's issues effectively (Mikolajczak, Brianda, Avalosse, & Roskam, 2018). Studies have shown that parental burnout is associated with monotonous feelings of daily tasks (Lebert-Charron, Dorard, Boujut, & Wendland, 2018), getting bored of having a young child, or having large numbers of children (Nimby, Lundberg, Sveger, & McNeil, 1997), continuous demands of family needs, role confusion, unrealistic expectations, lack of control and irrational demands of the environment (Duygun, & Sezgin, 2003; Mikolajczak et al., 2017; Lebert-Charron et al., 2018). Some findings, on the other hand, suggest that married employees or mothers with children experience less burnout (Maslach & Jackson, 1985).

Given the growing social developments in the society for women to enter higher education and job positions as well as men, the present study aims to compare attitudes toward gender roles and parental burnout in two groups of employed and non-employed mothers, and to study the effect of job on the variables, so, the current study aims to answer if there is a significant difference between two groups of employed and non-employed mothers in terms of their attitudes toward gender roles? and if there is a significant difference between employed and non-employed mothers in the consequences of parenting responsibilities?

Methodology

This is descriptive research benefits from the ex-post-facto method. The participants were 195 mothers including 76 employees who

participated in the study voluntarily from five regions of Tehran. Measurement tools included the 23-items for parental burnout (Roskam, Brianda, & Mikolajczak, 2018), and 12-items for attitudes towards gender roles (Constantin & Voicu, 2015).

Results

The results found no difference in parental burnout scores between two groups of employed and non-employed mothers. Besides, the effect of the job on parental burnout is found to be very small. The result also revealed that there was a significant difference between the two groups of employed and non-employed mothers in terms of their attitudes toward specific gender roles and androgynist attitudes. Non-employed mothers obtained higher scores in attitudes toward gender-specific roles, and employed mothers had the highest score in gender equality attitudes.

Employed and non-employed mothers were significantly different in terms of hours spent with their children at home. Cohen's *d* measurement showed a large effect of spent hours on parental burnout. The average time spent by both groups with their children shows that unemployed mothers spend more time with their children.

Discussion

Factors such as educational level, socio-economic background, and social context can effectively dampen the attitudes of women and men towards gender roles. Women with higher education and income, facing fair gender beliefs and attitudes, better adopt egalitarian attitudes toward roles and responsibilities, have more financial independence and satisfaction, and more benefit from such attitudes to achieve their goals. Defining social roles and adopting an egalitarian approach to gender roles in employed women does not prevent them from fulfilling their parental and household duties, which, are still considered as the main responsibilities of mothers (Falahati, 2016; Dashti Khavidaki & Hosseini, 2015). However, taking on multiple responsibilities along with time pressure may distress mothers and may lead to exhaustion of parenting roles.



The results also showed a high parental burnout in housewives which is due to spending time with the child(ren), performing household chores, and lack of spouses participation in these chores. Therefore, it is worth considering the role of overwork in employed mothers and how non-employed mothers spend their leisure time with their children according to their gender attitudes.

References

- Aliakbari Dehkordi, M., Mohtashami, T., Hasanzadeh, P., & Shahryari, H. (2014). The Study of Psychometric Characteristics of Children's Sex Role Inventory in Iranian population. *Social Cognition*, 3(1), 7-15. [Text in Persian].
- Banaszak, L. A. & Leighley, J. E. (1991). How employment affects women's gender attitudes. The workplace as a locus of contextual effects. *Political Geography Quarterly*, 10(2), 174-185.
- Banaszak, L. A., & Plutzer, E. (1993). Contextual determinants of feminist attitudes: National and subnational influences in Western Europe. *American Political Science Review*, 145-157.
- Baruch, G. K., Biener, L., & Barnett, R. C. (1987). Women and gender in research on work and family stress. *American Psychologist*, 42(2), 130.
- Bergh, J. (2006). Gender attitudes and modernization processes. *International Journal of Public Opinion Research*, 19(1), 5-23.
- Blanchard, L. T., Gurka, M. J., & Blackman, J. A. (2006). Emotional, developmental, and behavioral health of American children and their families: A report from the 2003 national survey of children's health. *Pediatrics*, 117, e1202-e1212.
- Bolzendahl, C. I., & Myers, D. J. (2004). Feminist attitudes and support for gender equality: Opinion change in women and men, 1974-1998. *Social forces*, 83(2), 759-789.
- Borelli, J. L., Nelson, S. K., River, L. M., Birken, S. A., & Moss-Racusin, C. (2017). Gender differences in work-family guilt in parents of young children. *Sex Roles*, 76(5-6), 356-368.
- Constantin, A., & Voicu, M. (2015). Attitudes towards gender roles in cross-cultural surveys: Content validity and cross-cultural measurement invariance. *Social Indicators Research*, 123(3), 733-751.
- Constantin, V. A. (2015). *Attitudes towards gender roles. Institutions, culture or/and individual factors shaping the attitudes towards gender roles?* (Doctoral dissertation, Universität zu Köln).
- Cunningham, M., Beutel, A. M., Barber, J. S., & Thornton, A. (2005). Reciprocal relationships between attitudes about gender and social contexts during young adulthood. *Social Science Research*, 34(4), 862-892.



- Dashti Khavidaki, M. & Hosseini, S. H. (2015). A comparative study on the acceptance of gender stereotypes and their relationship with religiosity (Study of Women and Men over 20 years old in Tehran 6th District in 2013). *Women and family studies*, 3 (2), 151-183. [Text in Persian].
- Denby, R., Rindfleisch, N., & Bean, G. (1999). Predictors of foster parents' satisfaction and intent to continue to foster. *Child abuse & neglect*, 23(3), 287-303.
- Duncan, S. (1994). Theorizing differences in patriarchy. *Environment and Planning A*, 26(8), 1177-1194.
- Duygun, T., & Sezgin, N. (2003). The Effects of Stress Symptoms, Coping Styles and Perceived Social Support on Burnout Level of Mentally Handicapped and Healthy Children? s Mothers. *Türk Psikoloji Dergisi*, 18(52), 37-52.
- Falahati, L. (2016) Attitudes towards gender roles in relation to ethnicity and gender. *Journal of Iranian cultural research*, 33: 33-60. [Text in Persian].
- Farajipak, M., khojastehmehr, R., & Omidian, M. (2020). The Comparison of Marital Satisfaction in Employed and Non-Employed Women: A Meta-Analysis. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 18(1), 201-248. doi: 10.22051/jwsp.2020.29652.2138. [Text in Persian].
- Fuegen, K., Biernat, M., Haines, E., & Deaux, K. (2004). Mothers and fathers in the workplace: How gender and parental status influence judgments of job-related competence. *Journal of Social issues*, 60(4), 737-754.
- Geisler, E., & Kreyenfeld, M. (2011). 'Against all odds: Fathers' use of parental leave in Germany. *Journal of European Social Policy*, 21(1), 88-99.
- Halpern, H. P., & Perry-Jenkins, M. (2016). Parents' gender ideology and gendered behavior as predictors of children's gender-role attitudes: A longitudinal exploration. *Sex roles*, 74(11-12), 527-542.
- Inglehart, R., & Welzel, C. (2007): *Modernization, cultural change, and democracy: the human development sequence*. New York: Cambridge University Press.
- Jakobsson, N., & Kotsadam, A. (2010). Do attitudes toward gender equality really differ between Norway and Sweden?. *Journal of European Social Policy*, 20(2), 142-159.
- Jelen, T. G. (1988). The effects of gender role stereotypes on political attitudes. *The Social Science Journal*, 25(3), 353-365.
- Kane, E. W. (1998). 'Men's and Women's Beliefs About Gender Inequality: Family Ties, Dependence, and Agreement. *Sociological Forum*, 13, 611-637.
- Kasuya, R. T., Bailey, P., & Takeuchi, R. (2010). Caregiver burden and burnout. *Postgraduate Medicine*, 108, 119-123.
- Kroska, A., J. & Elman, C. (2009). Change in attitudes about employed mothers: Exposure, interests, and gender ideology discrepancies. *Social Science Research*, 38(2), 366-382.
- Larsen, K. S., & Long, E. (1988). Attitudes toward sex-roles: traditional or egalitarian? *Sex Roles*, 19, 1-12.



- Le Vigouroux, S., & Scola, C. (2018). Differences in parental burnout: Influence of demographic factors and personality of parents and children. *Frontiers in psychology, 9*, 887.
- Lebert-Charron, A., Dorard, G., Boujut, E., & Wendland, J. (2018). Maternal burnout syndrome: contextual and psychological associated factors. *Frontiers in psychology, 9*, 885.
- Lee, K. S., Tufiş, P. A., & Alwin, D. F. (2010). Separate spheres or increasing equality? Changing gender beliefs in postwar Japan. *Journal of Marriage and Family, 72*(1), 184-201.
- Lindström, C., Åman, J., & Norberg, A. L. (2011). Parental burnout in relation to sociodemographic, psychosocial and personality factors as well as disease duration and glycaemic control in children with Type 1 diabetes mellitus. *Acta Paediatrica, 100*(7), 1011-1017.
- Lu, Y. H. (1993). Sex-role attitudes and the employment of married women---a Detroit area study. *Journal of Women and Gender Studies, 4*, 137-174.
- Luecher, J. L., Dede, D. E., Giten, J. C., Fennel, E., & Maria, B. L. (1999). Parental burden, coping and family functioning in primary caregivers of children with joubert syndrome. *Journal of Child Neurology, 14*, 642-648.
- Maslach, C., & Jackson, S. E. (1985). The role of sex and family variables in burnout. *Sex roles, 12*(7-8), 837-851.
- Mikolajczak, M., Brianda, M. E., Avalosse, H., & Roskam, I. (a) (2018). Consequences of parental burnout: Its specific effect on child neglect and violence. *Child abuse & neglect, 80*, 134-145.
- Mikolajczak, M., Raes, M. E., Avalosse, H., & Roskam, I. (b) (2018). Exhausted parents: sociodemographic, child-related, parent-related, parenting and family-functioning correlates of parental burnout. *Journal of Child and Family Studies, 27*(2), 602-614.
- Mousavi S F. (2019). The Burnout and Exhaustion Due to Parental Responsibilities: The Role of Parent-Child Demographic Variables. *MEJDS. 9* :123-123. [Text in Persian].
- Mousavi, S. F. (2018). Collaborating from IRAN in International Investigation of Parental Burnout (IIPB), Directed by Roskam, I. & Mikolajczak, M., UC Louvain, Belgium.
- Mousavi, S. F., Roskam, I. & Mikolajczak, M. (2020). Parental burnout in Iran: Psychometric properties of the Persian (Farsi) version of the Parental Burnout Assessment (PBA). *New Directions for Child and Adolescent Development*. <https://doi.org/10.1002/cad.20369>.
- Movahhed, M., Enayat, H., & Garagi, A. (2005). The impact of socio-economic factors affecting women's attitudes toward gender inequality. *Women in Development & Politics, 5*(1), 27-58. [Text in Persian].
- Myers, C. D., Riley III, J. L., & Robinson, M. E. (2003). Psychosocial contributions to sex-correlated differences in pain. *The Clinical journal of pain, 19*(4), 225-232.



- Niazi M., Ganji, M., & Shafaii Moghaddam, E. (2014). Investigating the Social and Cultural Factors Affecting Attitudes Towards Gender Schema of the Family, Social and Occupational role of Women. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 12(2), 81-116. doi: 10.22051/jwsp.2015.1482. [Text in Persian].
- Nimby, G. T., Lundberg, L., Sveger, T., & McNeil, T. F. (1999). Maternal distress and congenital malformations: do mothers of malformed fetuses have more problems?. *Journal of psychiatric research*, 33(4), 291-301.
- Norberg, A. L. (2007). Burnout in mothers and fathers of children surviving brain tumour. *Journal of clinical psychology in medical settings*, 14(2), 130-137.
- Pelsma, D. M., Roland, B., Tollefson, N., & Wigington, H. (1989). Parent burnout: Validation of the Maslach Burnout Inventory with a sample of mothers. *Measurement and Evaluation in Counseling and Development*, 22(2), 81-87.
- Pfau-Effinger, B. (2017). *Development of culture, welfare states and women's employment in Europe*. Routledge.
- Rahkar Farshi, M., Valizadeh, L., Zamanzadeh, V., Rssouli, M., Lopez, V., & Cleary, M. (2018). Perceptions of Iranian parents towards the paternal role in raising adolescent children. *Nursing & health sciences*, 20(4), 479-485.
- Ravadrad, A. & Naebi, H. (2007). Gender Analysis of Perceived (Expected) and Performed Roles of Women in Family. *Women in Development & Politics*, 5(1), 27-58. [Text in Persian].
- Roskam, I., Brianda, M. E., & Mikolajczak, M. (2018). A step forward in the conceptualization and measurement of parental burnout: The Parental Burnout Assessment (PBA). *Frontiers in psychology*, 9, 758.
- Roskam, I., Raes, M. E., & Mikolajczak, M. (2017). Exhausted parents: development and preliminary validation of the parental burnout inventory. *Frontiers in psychology*, 8, 163.
- Sherkat, D. (2000) That They Be Keepers of the Home: The Effect of Conservative Religion on Early and Late Transition into Housewifery. *Review of Religious Research*, 41 (3), 344 – 358.
- Tashakkori, A., & Mehryar, A. H. (1982). The differential roles of parents in the family, as reported by a group of Iranian adolescents. *Journal of Marriage and the Family*, 803-809.
- Vinayak, S., & Dhanoa, S. (2017). Relationship of parental burnout with parental stress and personality among parents of neonates with hyperbilirubinemia. *International Journal of Indian Psychology*, 4(2), 102-111.
- Voicu, M., & Constantin, A. (2016). Couple's Status on Labour Market and their Attitudes towards Gender Roles. *Revista de Cercetare si Interventie Sociala*, 54.
- Wilensky, H. L. (2002) *Rich democracies: Political economy, public policy and performance*. Berkeley CA: University of California Press.